

خودکفایی تحت تاثیر دانایی ستیزی و فناوری گریزی



دکتر بهزاد قره باضی
مدیر فن آوری های نو مرکز تحقیقات
استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

سیاست خودکفایی در محصولات اساسی پیش‌بینی شده است ولی این پیش‌بینی از سیاست‌های وزیر جهاد کشاورزی نبوده بلکه برآمده از بند ۲۸ قانون چهارم است که مطابق با این بند تامین امنیت غذایی کشور با تکیه بر تولید از منابع داخلی و تاثیر بر خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی میسر خواهد بود. این بند به این مفهوم است که علاوه بر خودکفایی در محصولات خاص، باید خودکفایی را حفظ کرده تا از بین نرود. اما در کمال تاسف شاهدیم که نه تنها به پایداری در خودکفایی دست نیافته‌ایم، که در بسیاری از محصولات به ناخودکفایی رسیده‌ایم. به طول مثال در حبوبات قریب به ۵۰ سال نه تنها به پایداری در خودکفایی رسیده بودیم که حتی صادرکننده هم محسوب می‌شدیم؛ اما اکنون با وضعیت موجود نابودی خودکفایی در تولید، محصول مدیریت غلط وزارت جهاد کشاورزی است.

نمی‌توان و نباید خودکفایی را دستاویزی قرار داد و محیط زیست را به نابودی کشاند یا منابع آبی زیرزمینی را به دست فنا سپرد. اما اینک به بهانه خودکفایی با فشارهای زیادی که به منابع آبی وارد آمده و با برداشتهای غیرکارشناسانه، سطح آب‌های زیرزمینی کاهش یافته و محیط زیست نیز در معرض نابودی است. با تمامی این عواقب غیر قابل جبران، نه تنها خودکفا نشدیم، بلکه چون سیاست‌گذاری مان براساس اصل دانایی‌محوری نبوده است، در همه‌ی آن مواردی که وعده داده شده بود، واردکننده‌تر شدیم.

من عامل اصلی عدم تحقق طرح‌های خودکفایی را مدیریت وزیر و برخی از مدیران وزارتخانه می‌دانم. دانایی‌ستیزی و فناوری‌گریزی آنها سهم عمده‌ای را در ایجاد شرایط کنونی دارد. از دیگر عوامل می‌توان به حذف گسترده مدیران لایق و شایسته، حرکت‌های فوق سیاسی و تبدیل وزارتخانه به یک جایگاه تسویه حساب و رفتارهای ناشایست و غیرعلمی مدیریتی اشاره کرد که وضعیت موجود را به ارمغان آورده و تجلی همه این ندانم‌کاری‌ها در بحران‌های حاکم بر بخش کشاورزی کشورمان هویدا است.

۲- هیچ چشم‌انداز مثبتی نمی‌بینم، جز آن که بگویم وضعیت بدتر خواهد شد. من تمام پیش‌بینی‌های سال جاری را در پایان سال ۸۶ انجام دادم و در مقاله‌ای تحت عنوان «وضعیت کشاورزی ایران در سال ۱۳۸۷» در سایت آفتاب به چاپ رسید. باید بگویم آنچه را که آنها در آینده می‌بینند، ما در خشت خام می‌بینیم. تا به امروز تک‌تک پیش‌بینی‌های موجود در آن مقاله محقق شده است؛ بنابراین به حتم با این شرایط، تورم بالاتر می‌رود، تولید محصولات غذایی کاهش می‌یابد و واردات نیز نسبت به قبل افزایش خواهد یافت.

وعده خودکفایی برنج بیشتر به یک مزاح شبیه بود



جمیل علی‌زاده شایق
دبیر انجمن برنج

۱- به عقیده من بحث خودکفایی هنوز وارد مرحله عمل نشده است. در مورد برنج محدودیت بزرگ، کم‌آبی است؛ یعنی به محض اینکه کشاورزی با مشکل آب مواجه شود، سطح زیرکشت پایین می‌آید و بحث خودکفایی نیز خودبه‌خود منتفی خواهد شد. و یا وقتی که بحث از ارقام پرمحصول می‌شود و ما به موسسات تحقیقاتی توصیه می‌کنیم تا به دنبال ارقام پرمحصول خوش کیفیت و مقاوم به کم‌آبی باشند و یا بر روی برنج هیبرید کار کنند. از آن جا که حمایت‌ها آن چنان که باید جدی نیست، موسسه تحقیقات برنج به دلیل عدم تخصیص بودجه کافی از وضعیت موجود گله‌مند است وقتی توصیه‌ها اجرایی نشوند، بحث خودکفایی به نتیجه نخواهد رسید. پس باید در پاسخ به این پرسش بگویم خوشبختانه چون بحث خودکفایی عملی نشده است، پس هنوز زمان بررسی اثرات سوء آن بر اقتصاد کشاورزی فرا نرسیده است.

۲- دادن وعده‌های خودکفایی آن هم در زمان‌های محدود ۲ یا ۳ ساله به یک مزاح بیشتر شبیه است. بحث خودکفایی و تحقق آن به این سادگی‌ها نیست. ببینید حالا که مساله اساسی وارد شدن به سازمان تجارت جهانی است، اگر بخواهیم در این دهکده‌ی جهانی به جایگاهی قابل توجه دست یابیم، باید سیاست‌های کارشناسانه و تخصصی در حوزه کشاورزی اعمال شود. ولی در وضعیت موجود براساس این وعده‌ها محصولاتی را که ارزش نسبی (اقتصادی) یا مزیت نسبی ندارند، بر محصولاتی چون زعفران و گل که ارزش و مزیت نسبی دارند ارجح می‌داریم و این عملی نیست مگر اینکه تلاش کنیم در آن محصولات نظیر برنج نیز به مزیت نسبی دست پیدا کنیم. به طور مثال در کاهش ضایعات یا افزایش تولید چه کرده‌ایم؟ به ویژه در مورد برنج که مشکل اساسی، آب است. در فصولی که بارندگی زیاد است مثل پاییز اما خارج از دوره کشت است، برای مهار این حجم از آب و استفاده از آن در فصل بهار چه اقدامات کارسازی صورت می‌پذیرد؟ پس مجموعه‌ی عوامل در کنار هم مسیر تحقق وعده‌ها را هموار می‌کند؛ عواملی که هر یک مانند قطعه‌ای از پازل در کنار هم مجموعه را کامل خواهند کرد.

۳- اگر برنامه‌ریزی‌ها در این حوزه باری به هر جهت نباشند و از وضع برنامه‌های کوتاه‌مدت و برهه‌ای نیز خودداری شود، می‌توان امیدوار بود که وضعیت در آینده بهتر شود. می‌توان از تجربیات گذشتگان و کارشناسان خبره و ایده‌پرداز بهره گرفت. به طور مثال در دهه‌ی ۶۰ که زالی وزارت را بر عهده داشت، بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌ها در این حوزه ضمانت اجرایی داشتند؛ اکنون می‌توان از دریچه‌ای جدید به آنها نگریست و یا همان برنامه‌ها را بازسازی کرد. مباحثی چون اقتصادی بودن کشت، تعیین نظام کشت و... اگر سیستماتیک شوند، می‌توان برنامه‌های راهبردی ارائه کرد. گروهی متخصص دلسوز باید همان پازلی را که مثال زدیم در وجوه تحقیقاتی، ترویجی، آموزشی و... کنار هم بچینند تا با وضعیتی یکدست و سامان‌یافته روبه‌رو شویم.